روایت «طالع الدنیا» و «البیت وسط الارض» در تأیید قول به نصف النهار دحو الارض

(35:32)

حال به بحث جلسه قبل برگردیم. اگر فرض بگیریم مبنایی باشد که نصف النهار خاص میزان محاسبه بشود. آن هم نصف النهار دحو الارض. عرض کردم از حیث ادله، دلیلی که سند و دلالتش تام باشد فعلاً نداریم. ولی روایاتی که سند تام دارد؛ مثلا در فقیه فرموده ابن سند این روایت را در جامع الحج آورده ام. دلالت آن روایت فقیه خوب است. روایت فضل به سهل -طالع الدنیا- که نص بود. قطع نظر از سند، از حیث دلالت نص در مطلوب بود. چرا؟ چون حضرت فرمودند «انّ طالع الدنیا السرطان» و بعد نتیجه گرفتند «و الشمس فی وسط السماء». اصلا ممکن نیست این حدیث سر برسد الا به یک نصف النهار خاص. چون خورشید در هر لحظه نصف النهار دارد و در کل کره دور می گردد. این حدیث نص است که مقصود از آن یک نصف النهار خاص است.

دوم همین روایت فقیه است. آن نصّ نیست. ولی ظهورش قوی است. حضرت فرمودند «و جعل الله البیتَ وسط الارض»، بعد فرمودند: «ولیکون الفرض لاهل المشرق و المغرب سواء». این دلالتش قوی است. مثل روایت قبلی نیست که نص باشد. اما دلالتش قوی است. چون در «اهل مشرق و مغرب» می توانیم توجیهاتی کنیم که مغرب یعنی مصر و ایتها، مشرق یعنی خراسان. مثلا در عرف آن زمان ناظر به این دو جا بوده است. ولی وقتی نگاه می کنید می بینید کلمه «وسط» آورده اند. خدای متعال کعبه را وسط زمین قرار داد، چرا؟ چون فرض برای اهل مشرق؛ اگر رو به قطب شمال بایستید یعنی دست راست مکه. «و المغرب» یعنی دست چپ. «لیکون الفرض علی اهل المشرق و المغرب سواء». این وسط میزان شده تا فرض برای همه برابر باشد.

شاگرد: فرض به چه معنا است؟

استاد: چیزی جز فرض صوم نتوانستم تصویر کنم.

شاگرد: وسط به معنای مرکز هم هست. می تواند منظور از فرض صلات باشد. یعنی نماز همه آن ها به یک نقطه است.

شاگرد۲: فرض می تواند همه را بگیرد. یعنی هم حج باشد، هم صوم باشد، هم نماز باشد.

استاد: اینی که ایشان می فرمایند مکانی می شود. منظور شما مکانی است ای زمانی؟ مشکلی نیست. لذا گفتم این ظهور مثل آن نص نیست. علی ایّ حال کعبه وسط زمین شد. لازمه آن چطور شده؟ الفرض لاهل المشرق و المغرب سواء شده است. الفرض یعنی استقبال که یک امر مکانی است. الاستقبال لاهل المشرق و المغرب سواء. همه رو به وسط الارض می کنند. لذا فرض، سواء می شود. اگر روزه باشد، آن وقت حرف ام می شود. یعنی نصف النهار وسط زمین است، فرض مشرق با فرض مغرب در یک روز واحدی که می خواهند روزه بگیرند -سوم الجمعه، سوم السبت- سواء می شود. این نص نیست اما می توان ظهور قوی برای آن تقریر کرد که الفرض، صوم باشد و اهل المشرق تا سیدنی برود. وسط است، وقتی وسط شد، الفرض لاهل المشرق که تا سیدنی است، و المغرب، تا آمریکا بروید. لاهل المشرق و المغرب سواء.

شاگرد: می تواند اطلاق هم داشته باشد. یعنی فرض صلات را هم بگیرد و صوم را هم بگیرد.

استاد: مانعی ندارد.

شاگرد۲: فرض یعنی همه آن چیزهایی که کعبه می تواند در آن موضوعیت پیدا بکند.

استاد: آن وقت کسانی که رؤیت را می گویند، می گویند مکان کعبه اصلا ربطی به رؤیت هلال ندارد. لذا است که عرض می کنم از حیث دلالت نص نیست.

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 08:09:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 08:16:31 توسط ... .